

# آرشیو در سفرنامه‌های ایرانی دوره قاجار (از ابتدای قاجار تا مشروطه)

سهیلا صفری<sup>۱</sup>

تاریخ دریافت مقاله: ۱۳۸۸/۲/۲۲  
تاریخ پذیرش: ۱۳۸۸/۶/۷

## چکیده

واژه آرشیو، از جمله کلماتی است که در اثر مراودات ایرانیان با کشورهای اروپایی متداول شد. بنابراین آگاهی از جنبه‌های مختلف طرح آن، اهمیت بسزائی در مطالعات آرشیوی دارد. سفرنامه‌های ایرانی، از جمله منابعی هستند که آگاهی‌های اولیه ایرانیان درباره پدیده‌های نوظهور را انعکاس می‌دهند. از این رو، این منابع در بررسی آرشیو نیز شایان توجه هستند. در این مقاله نویسنده می‌کوشد با بررسی سفرنامه‌های ایرانی که از ابتدای دوره قاجار تا مشروطه به اروپا سفر کرده‌اند و خود به چند دسته تقسیم می‌شوند، نشان دهد آرشیو تا چه حد مورد توجه این سفرنامه‌نویسان بوده است. نکته جالب توجه حاصل از این بررسی بیانگر این است که آرشیو، از نگاه سفرنامه‌نویسان ایرانی دور مانده است. گفتار حاضر، همچنین در صدد طرح این سؤال که چرا آرشیو از نگاه سفرنامه‌نویسان ایرانی - که در دوره تاریخی مزبور، عازم کشورهای اروپائی شدند و به توصیف امور بسیاری از آن کشورها پرداختند - مغفول مانده و نیز پاسخ به آن است. به نظر نویسنده، بی‌توجهی به آرشیو، ریشه در شرایط تاریخی ایرانیان و نحوه نگرش آنان به مظاهر تمدن کشورهای اروپائی داشت.

## کلید واژه‌ها:

آرشیوها/ سفرنامه‌ها/ ایرانیان/ قاجاریه/ اروپا/ مسافرت

\*\*\*



در بررسی پیشینه آرشیو (در شکل اولیه و قدیمی)، شاهد اهمیت و حضور آن در ساختار اداری تاریخ ایران هستیم. اما آرشیو در معنای جدید آن، همانند بسیاری از زمینه‌های دیگر، متأثر از فضای رکود و فترت در سیر تاریخی ایران، پدیده‌ای نوظهور بود که آگاهی به ضرورت وجود آن طی ارتباط بیش‌تر ایرانیان با کشورهای غربی از دوره قاجار تاکنون شکل گرفته است.

مواجهه جدی ایرانیان با کشورهای اروپائی که پس از جنگ‌های ایران و روس آغاز گردید، ضرورت بازنگری در نهادها و مؤسسات موجود و تأسیس نهادها و مؤسسات جدید را آشکار کرد. این امر، اگرچه روندی تدریجی و گاه حتا سطحی داشت، اما از دیدگاه بررسی‌های تاریخی قابل اهمیت است. از جمله راه‌هایی که ایرانیان از آن طریق آشنائی بیش‌تری با این کشورها یافتند، مسافرت به اروپا و ثبت و ضبط دیده‌ها و شنیده‌هایشان بود. یعنی اگرچه ایرانیان در ابتدا برای حفظ قلمرو سیاسی و گریز از خطر روس‌ها پا به سرزمین‌های فرنگ نهادند، اما دیده‌ها و شنیده‌هایشان افق‌های نوینی به روی آن‌ها گشود، هرچند گاهی حتا درک درستی از آن نداشتند.

در این سفرنامه‌ها، جنبه‌های مختلف حیات آن کشورها نظیر ساختار سیاسی، امور اقتصادی، گمرک، مالیات، کارخانه‌ها، راه‌آهن، جاده‌ها، تلگراف، پست، قرنطینه، پل، موزه، کتابخانه، عمارات و بناهای تاریخی، عمارات و بناهای سلطنتی - اداری، مدرسه، دانشگاه، بیمارستان، تیمارستان، مؤسسات خیریه، آئین‌ها و جشن‌ها، شیوه شهرسازی و حتا نحوه حضور زنان در جامعه و بسیاری امور دیگر، مورد توجه قرار گرفت.<sup>۱</sup>

مسلم است که توصیف هریک از این پدیده‌ها، نشان از اهمیت آن‌ها در ذهنیت این سفرنامه‌نویسان داشته که ناظر بر وجود کاستی‌های موجود در جامعه ایران نیز بوده است؛ گرچه توصیف این پدیده‌ها میزان شناخت و درک آن‌ها را از این پدیده‌ها عیان می‌سازد. با این نگاه، باید دید که آرشیو چه جایگاهی در این سفرنامه‌ها داشت. در این گفتار، سفرنامه‌های نگاشته شده در اروپا از

ابتدای دوره قاجار تا مشروطه مورد بررسی قرار گرفته که عبارت‌اند از سفرنامه فرنگ میرزا صالح شیرازی، سفرنامه رضاقلی میرزا نایب‌الایاله، حیرتنامه، دلایل السفراء، شرح مأموریت حسین خان آجودانباشی، سفرنامه میرزا خانلرخان اعتصام‌الملک، سفرنامه فرنگ حاج سیاح، سفرنامه حاجی پیرزاده، روزنامه خاطرات ناصرالدین شاه (مربوط به سه سفر شاه به اروپا)، سفرنامه فرنگستان مظفرالدین شاه، سفرنامه فرخ خان امین‌الدوله، سفرنامه ایران و روسیه عزالدوله - ملکونف، سفرنامه اروپای سیف‌الملک، سفرنامه سهام‌الدوله بجنوردی، سفرنامه ابراهیم صحافباشی، سفرنامه فرهاد میرزا.

البته در متن از مجموعه این سفرنامه‌های بررسی شده، تنها به محتوای سفرنامه‌هایی اشاره شده است که مطلبی درباب آرشیو در آن‌ها موجود بود. در هر حال بر اساس این سفرنامه‌ها و طبق موضوع این گفتار، این سفرنامه‌ها به سه دسته تقسیم می‌شوند:

دسته اول، شامل سفرنامه‌هایی است که به قلم افرادی نگاشته شده که حکومت، آن‌ها را به کشورهای اروپائی اعزام کرده است. این سفرنامه‌نویسان، یا مأموران و سفیران سیاسی را شامل می‌شدند نظیر میرزا ابوالحسن خان ایلچی، حسین خان آجودانباشی، خسرو میرزا، عزالدوله، فرخ خان امین‌الدوله و...، یا افرادی را شامل می‌شد که به قصد تحصیل روانه آن دیار شدند، نظیر میرزا صالح شیرازی.

دسته دوم، سفرنامه‌های ناصرالدین شاه و مظفرالدین شاه بود که نخستین بار پا در بلاد فرنگ نهادند و به وصف دیده‌هایشان پرداختند.

دسته سوم، شامل سفرنامه‌هایی است که آن‌ها را افرادی نگاشته‌اند که به قصد سیاحت عازم آن کشورها شده‌اند، نظیر حاج سیاح، حاجی پیرزاده، صحافباشی و... .

البته در این میان استثنائی نیز وجود دارد؛ سفرنامه رضاقلی میرزا نایب‌الایاله، نوه فتحعلی شاه که درحقیقت پناهنده سیاسی شمرده می‌شد.<sup>۲</sup>

به هر روی، باتوجه به موضوع گفتار حاضر، سفرنامه‌های گروه اول یعنی مأموران و سفیران سیاسی و گروه دوم به عنوان مصدر امور کشور، از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است. چرا که آرشیو، در ساختار تشکیلات دولتی و نظام اداری قرار داشت. در نتیجه، این گروه به عنوان نمایندگان سیاسی و اداری، امکان بازدید از آن و آشنائی با آن را داشتند و همچنین گروهی بودند که جزئی از نظام اداری محسوب می‌شدند. پس توجه نشان دادن به آن ضروری می‌نمود.

انعکاس نیافتن آرشیو در سفرنامه‌های گروه سوم، امری توجیه‌ناپذیر نیست. زیرا هدف از این سفرنامه‌ها و نیز امکانات و شرایطی که این دسته از افراد با آن مواجه بودند، متفاوت از گروه اول و دوم بود. چنان‌که در جای جای این سفرنامه‌ها، این افراد به توصیف موزه‌ها و کتابخانه‌هایی که امکان بازدید داشتند، اشاره کردند. (سیاح، ۱۳۶۳، صص ۱۱۵، ۱۷۵ و ۱۹۹-۲۰۰؛ پیرزاده، ۱۳۴۲، صص ۲۰۸ و ۳۱۰-۳۱۱)

جای شگفتی و سؤال مربوط به گروه نخست و دوم است.

در گروه اول تنها در سفرنامه پترزبورگ خسرومیرزا - که به قلم میرزا مصطفی افشار (بهاءالملک) نگاشته شد - اشاره به آرشیو دیده می‌شود. خسرومیرزا، فرزند عباس میرزا، به نمایندگی از دولت ایران، همراه با هیئتی جهت اظهار تأسف از قتل گریبایدوف عازم روسیه شد. در این سفرنامه، درباره آرشیو این چنین آمده است:

«روز شنبه دویم شهر محرم، پیش از نهار، جنرال بزرگ قزاق - که آتامان باشد - تماشای دفترخانه و کلیسای بزرگ خودشان را در خدمت نواب شاهزاده عرض کرد. بنا به استدعای او، نواب والا با خواص ملتزمین به تماشای اوضاع دفترخانه تشریف بردند و جنرال، در آرشیو دفترخانه - که عبارت از مخزن مکاتبات دولتی است - همه فرامین سلاطین سلف را که به اقتضای اوقات و ظهور فتوحات، به نوازش و دلجوئی بزرگ و کوچک این طایفه صادر شده بود، از صندوق نقره مکمل به فیروزه بیرون آورده،

به شاهزاده فرستاده بودند؛ کذالک عصای نقره‌ای را که آتامان در اوقات حکم به دست باید بگیرد. طرح کلیسایی که می‌سازند با صورت‌های چند از صور حضرت عیسی و مریم - علیهما السلام - در کمال تصنیع از نقره ساخته، در آن جا گذاشته بودند. مرا از ملاحظه این اوضاع و طریق احترامی که این طایفه کم مدرک به احکام و فرامین سلاطین خود می‌کنند، بسیار تألم و تأسف دست داد که چرا میان طوایف مختلفه ایران - که در عقل و ادراک بسیار تفوق دارند - این‌گونه کار معمول و متداول نباشد. دولت، رعیت خود را تربیت ننماید. رعیت بر ارادت دولت نیفزاید!» (افشار، ۱۳۴۹، صص ۲۱۶-۲۱۷)

هیئت فوق، از دارالسلطنه تبریز به عنوان کانون اصلاح‌طلبی اعزام شد و سفرنامه مذکور، با هدف برانگیختن دربار تهران به انجام اصلاحات نیز نگاشته شد. (طباطبائی، ۱۳۸۵، ص ۲۵۵) هرچند این اقدام در دربار فتحعلی شاه مورد توجه قرار نگرفت و با مرگ عباس میرزا، اصلاحات در تبریز نیز متوقف شد. در نتیجه، سخن از آرشیو نیز مانند بسیاری امور دیگر، تنها در اوراق سفرنامه خسرومیرزا باقی ماند و گرد زمان بر آن نشست که البته در این سفرنامه هم، تنها به صورتی گذرا از اهمیت دادن به فرامین سلاطین در روسیه سخن رفته و سخنی از آرشیو و یا نظام نگهداری فرامین و اسناد دولتی وجود ندارد.

بنابراین، این نکته درخور تأمل است که چرا زمانی که تقریباً تمام شقوق و جنبه‌های حیات کشورهای اروپائی مورد توجه قرار گرفت و از ضرورت حضور آن‌ها در ایران سخن رفت، از آرشیو سخنی به میان نیامد؟ آیا برای این سفیران و نمایندگان امکان بازدید از آرشیو آن کشورها و آشنائی با نحوه سازماندهی مکاتبات و اسناد مهم دولتی وجود نداشت؟

اشاره به آرشیو در سفرنامه خسرومیرزا، پاسخ منفی را به این سؤال رد می‌کند. این‌که آیا طی دوره مذکور هیچ خللی در کار آرشیو و یا سازماندهی مکاتبات دولتی وجود نداشت تا احساس نیازی به کسب آگاهی در باب آن وجود



داشته باشد نیز پذیرفتنی نیست. چه، در این دوره به تدریج حجم مراودات سیاسی و... با کشورهای دیگر افزایش یافت. در نتیجه، قطعاً لازم بود که تنظیم و ترتیب این مکاتبات و اسناد به شیوه‌ای کارآمد سامان یابد. نقصان در این امر نیز با اشاره به سندی از میرزا حسین خان سپهسالار آشکار می‌شود. با توجه به اهمیت این سند، به ذکر تمامی آن پرداخته می‌شود.

سپهسالار، در نامه‌ای به ناصرالدین این چنین نوشته است: «در توقیع رفیع همایون ظل‌اللهی - روحنا فداه - شرف ترقیم یافته بود که دستخط‌های مبارک شاهنشاهی که در این سنوات به افتخار این غلامزاد خانه زاد شرف صدور یافته است، اغلب که جواب عرایض و مطالب و مسائل عادیه است، اهمیتی ندارد؛ لکن پاره‌ای که در امور مهمه و معظمه خاصه، راجع به امور پلتیکی است، مثل سایر اسناد دولتی نباید از آرشیو دولت خارج باشد. در فقره مذاکره هرات با انگلیسی‌ها خیلی نوشتجات در میان بود که اکثر یا موشح به دستخط مبارک بوده است یا رأساً مرقوم شده است. آن‌ها را خوب است منتخب کرده، به خاک‌پای مبارک ایفاد و تقدیم دارم. با کمال ضراعت و خاکساری، عرضه می‌دارم که از مصدر جلالیت صادر شود، غلام خانه زاد او را واجب الطاعه دانسته و می‌دانم و از حکیم، علت و جهت سؤال کردن یک نوع جسارت و غلط است. دستخط‌های مبارک تماماً همراه این غلام نیست. نوشتجات و دستخط‌های متعلقه به امر هرات [را] - که اهمیتش از همه زیادت‌تر بود - در جعبه مخصوص به خود ضبط نموده بودم که احدی نبیند و مطلع نشود، حاضر بود. فوراً موازی پانزده طغرا از عرایض که صدر آن‌ها موشح به دستخط مبارک است، فرمایشاتی است که رأساً و مبادرتاً شرف صدور یافته، در جوف پاکت گذارده، مهر نموده، نزد جناب امین‌الملک فرستادم که تقدیم خاک‌پای مبارک نماید. سایر اوامر و توقیعات همایونی، بعضی همراه و متفرق است که باید جمع نمایم و بعضی همراه نیست که باید حاضر نموده، تقدیم نمایم. انشاءالله عنقریب همه آن‌ها به حضور مهر ظهور اقدس اعلا - روحنا فداه -

در کمال امانت و نهایت دلسوزی تقدیم خواهد شد.» (حکومت سایه‌ها، ۱۳۷۲، ص ۲۵۰)

پس از عزل سپهسالار از منصب وزارت خارجه، وی در نامه‌های دیگری نیز از تحویل اسناد وزارت خارجه به صدیق‌الملک سخن گفت. (حکومت سایه‌ها، ۱۳۷۲، ص ۲۸۸)

این مکاتبات، نشان‌دهنده ضعف آشکار در نظام نگاهداری اسناد و مکاتبات دولتی بود و نشان از نبود نهادی داشت که به طور نظام‌مند عهده‌دار این وظیفه خطیر باشد. از این رو، اسناد در دست وزیران خارجه در گردش بود و نیز در معرض آسیب!

بنابراین، شاید یکی از پاسخ‌های علل انعکاس نیافتن آرشیو را در سفرنامه‌ها، بتوان با توجه به زمینه‌های تاریخی این چنین تبیین کرد:

بی‌توجهی به آرشیو، ریشه در شرایط تاریخی ایرانیان و نحوه نگرش آنان به مظاهر تمدن کشورهای اروپائی داشت. دهه‌های اول حکومت قاجارها، مسئله عمده حل بحران مربوط به جنگ با روسیه بود و آنچه بیش از هر چیز جلب توجه می‌کرد، اموری بود که ایران را در مقابل روس‌ها قدرتمند می‌کرد که مهم‌ترین آن‌ها امور نظامی بود. پس از این دوره و بویژه در دوره ناصری، میزان شناخت ایرانیان از آن کشورها افزایش یافت و اگرچه در این دوره نهادهائی نیز تأسیس یافت، اما بنیادی و ساختاری نبود.

اغلب مسائلی که در سفرنامه‌ها انعکاس یافته، اموری است که از سوئی آشکارا قدرت و پیشرفت کشورهای اروپائی را نشان می‌دهد و نقصان آن‌ها نیز به‌صراحت در جامعه ایرانی به چشم می‌خورد؛ بنابراین اموری ملموس و عینی بود. اما آرشیو در ساختار اداری آن کشورها قرار داشت و کم‌تر از امور دیگر قابل لمس و رؤیت بود و توجه به آن نیز نگاه ظریف و تیزبینانه‌ای می‌طلبید، بویژه آن که تأسیس آرشیو، نیازمند تغییرات اساسی در نظام اداری و مدیریتی حکومت بود که اگرچه در دوره یاد شده مورد نیاز بود، اما آگاهی عمیقی در آن باره وجود نداشت.

- اصغر فرمانفرمائی قاجار (کوششگر) تهران: اساطیر.
- ایلیچی، میرزا ابوالحسن (۱۳۶۴). حیرتنامه، سفر میرزا ابوالحسن خان ایلیچی به لندن. حسن مرسلوند (کوششگر) تهران: مؤسسه خدمات فرهنگی رسا.
- ایلیچی، میرزا ابوالحسن (۱۳۶۴). دلایل السفراء، سفر میرزا ابوالحسن خان ایلیچی به روسیه. محمد گلبن (کوششگر) تهران: دنیای کتاب.
- شرح مأموریت حسین خان آجودانباشی (۱۳۵۶). محمد مشیری (کوششگر) بی‌جا: اشرافی.
- اعتصام الملک، خانلر (۱۳۵۱). سفرنامه میرزا خانلرخان اعتصام الملک. منوچهر محمودی (کوششگر) بی‌جا: ناشر منوچهر محمودی.
- سیاح، محمدعلی (۱۳۶۳). سفرنامه فرنگ حاج سیاح. علی دهباشی (کوششگر) تهران: نشر ناشر.
- بیرزاده، محمدعلی (۱۳۴۲). سفرنامه حاجی بیرزاده. حافظ فرمانفرمائیان (کوششگر) تهران: انتشارات دانشگاه تهران.
- روزنامه خاطرات ناصرالدین شاه در سفر اول فرنگستان (۱۳۷۹). فاطمه قاضیها، (کوششگر) تهران: سازمان اسناد ملی ایران.
- روزنامه خاطرات ناصرالدین شاه در سفر دوم فرنگستان (۱۳۷۷). محمداسماعیل رضوانی و فاطمه قاضیها (کوششگران) تهران: سازمان اسناد ملی ایران.
- روزنامه خاطرات ناصرالدین شاه در سفر سوم فرنگستان (۱۳۷۴). محمداسماعیل رضوانی و فاطمه قاضیها (کوششگران) تهران: سازمان اسناد ملی ایران.
- سفرنامه فرنگستان (سفر اول)، مظفرالدین شاه قاجار (۱۳۶۳). بی‌جا: انتشارات شرق.
- دومین سفرنامه مبارکه فرنگ مظفرالدین شاه (۱۳۶۲). تهران: انتشارات کاوش.
- امین‌الدوله، فرخ (۱۳۷۳). سفرنامه فرخ خان امین‌الدوله (مخزن الوقایع). کریم اصفهانیان و قدرت‌الله روشنی (کوششگران) تهران: اساطیر.
- سفرنامه ایران و روسیه، عزالدوله - ملکوف (۱۳۶۳). محمد گلبن و فرامرز طالبی (کوششگران) تهران: دنیای کتاب.
- سفرنامه اروپای سیف‌الملک (۱۳۸۰). محمد گلبن (کوششگر)

بنابراین آرشیو نه تنها در سفرنامه‌ها انعکاس نیافت، بلکه توجه عملی به آن نیز مدت‌ها بعد در زمان مظفرالدین شاه و در ساختار وزارت خارجه اتفاق افتاد. (قائم‌مقامی، ۱۳۵۰، ص ۳۵)

گفتار حاضر، پیش از این که در پی یافتن پاسخ دقیق و جامع درباره پرسش مطرح باشد، در صدد طرح سؤال و جلب توجه به بی‌توجهی به آرشیو در این منابع بود. چرا که طرح مسئله خود، مقدمه پژوهش‌های تاریخی کامل‌تری است که امید می‌رود این گفتار توانسته باشد قدمی هرچند اندک در این راه برداشته باشد.

### بی‌نوشت‌ها

- ۱- برای نمونه، بنگرید به: سفرنامه رضاقلی میرزا نایب‌الایاله (۱۳۷۲). اصغر فرمانفرمائی قاجار (کوششگر). تهران: اساطیر؛ حیرتنامه، سفر میرزا ابوالحسن خان ایلیچی به لندن (۱۳۶۴). حسن مرسلوند (کوششگر) تهران: مؤسسه خدمات فرهنگی رسا؛ روزنامه خاطرات ناصرالدین شاه در سفر سوم فرنگستان (۱۳۶۹). محمداسماعیل رضوانی و فاطمه قاضیها (کوششگران) تهران: سازمان اسناد ملی ایران.
- ۲- رضاقلی میرزا، نوه فتحعلی شاه و پسر حسینعلی میرزا بود. حسینعلی میرزا، بعد از مرگ فتحعلی شاه بر محمدشاه شورید و ادعای سلطنت کرد. به هنگام دستگیری وی در شیراز، رضاقلی میرزا همراه برادرانش نجفقلی میرزا و تیمور میرزا، از راه ممسنی به خوزستان، بعد به عتبات و سرانجام به لندن گریختند. بنگرید به: سفرنامه رضاقلی میرزا نایب‌الایاله (۱۳۷۲). اصغر فرمانفرمائی قاجار (کوششگر) تهران: اساطیر.

### منابع (سفرنامه‌های بررسی شده)

- افشار، بهاء‌الملک (۱۳۴۹). سفرنامه پطرزبورغ خسرومیرزا. محمد گلبن (کوششگر) تهران: کتابخانه مستوفی.
- شیرازی، میرزا صالح (۱۳۶۴). مجموعه سفرنامه‌های میرزا صالح شیرازی. کتاب دوم: سفرنامه فرنگ. (غلامحسین میرزا صالح، مصحح) تهران: نشر تاریخ ایران.
- نایب‌الایاله، رضاقلی (۱۳۷۲). سفرنامه رضاقلی میرزا نایب‌الایاله.

تهران: مرکز اسناد و تاریخ دیپلماتی.

- سفرنامه ابراهیم صحافیاشی (۱۳۵۷). محمد مشیری (کوششگر)

تهران: شرکت مؤلفان و مترجمان ایران.

- سفرنامه اروپای میرزا فتح خان گرمودی (۱۳۴۷). فتح‌الدین

فتاحی (کوششگر) تهران: چاپخانه بانک بازرگانی ایران.

- سهام‌الدوله، یارمحمد (۱۳۷۴). سفرنامه سهام‌الدوله بجنوردی،

سفرنامه‌های سهام‌الدوله بجنوردی. قدرت‌الله روشنی زعفرانلو

(کوششگر) تهران: علمی و فرهنگی.

